

معرفی کتاب «نورالدین پسر ایران»

شانزده سالگی



● عنوان: **نورالدین پسر ایران**

● نویسنده: **معصومه سپهری**

● ناشر: **سوره مهر**

● تعداد صفحات: **۷۰۰**

● توضیحات:

«نورالدین پسر ایران»، خاطرات سید نورالدین

عافی، نوجوانی آذری است که در شانزده

سالگی تصمیم گرفت به جبهه برود؛ تصمیمی

که مسیر زندگی‌اش را به‌طور کامل تغییر داد.

«نورالدین پسر ایران» آینه‌ای از روزگار یک نسل است: روایت زندگی سیدنورالدین عافی، نوجوانی آذری از حوالی تبریز. او درست در همان سال‌هایی که بیشتر هم‌سن‌وسالانش سرگرم مدرسه و بازی بودند، راهی متفاوت را انتخاب کرد.

رفت و آمدی میان زخم و سنگر

راز جذابیت کتاب «نورالدین پسر ایران» همین است: نورالدین آدمی است مثل بقیه. او سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای ساده متولد و بزرگ شد. نان تازه، دعوای خواهر و برادر، شیطنت‌های مدرسه و دل‌بستگی‌های نوجوانی بخشی از زندگی‌اش بود؛ اما با شروع جنگ،

مسیر زندگی‌اش عوض شد. در کتاب می‌خوانیم که او با لهجه شیرین آذری از روزهای آموزش نظامی، از ترس اولین گلوله، از شوخی‌های سنگر و از خاطراتی می‌گوید که هم خنده بر لب می‌نشانند و هم اشک به چشم می‌آورد.

نورالدین نوجوانی‌اش را در کوچه‌های روستای خِلجان گذراند، اما خیلی زود پایش به جبهه باز شد. ابتدا رزمنده‌ای ساده بود، اما کم‌کم به گردان‌های خط‌شکن لشکر ۳۱ عاشورا پیوست. غواصی کرد، فرمانده دسته شد و در عملیات‌های بزرگی مانند والفجر ۸ و کربلای ۴ شرکت کرد. کتاب به‌خوبی نشان می‌دهد که پشت این نام‌های بزرگ، چه تجربه‌های انسانی و پر از فراز و فرود

نهفته است: لرزیدن در آب‌های سرد اروند، لحظه مجروح شدن، دیدن شهادت دوستان در چند قدمی و در عین حال، بازگشتن به میدان با همان شور و ایمان.

نورالدین بارها مجروح شد. ترکش‌ها و زخم‌ها بخشی از بدنش را برای همیشه تغییر دادند؛ اما چیزی که عمیق‌تر ماند، خاطره دوستانی بود که دیگر برنگشتند. او بارها از بیمارستان به خانه برگشت و دوباره به جبهه رفت. این رفت‌وآمد میان زخم و سنگر نشان می‌دهد که چگونه یک نوجوان معمولی می‌تواند به الگویی از پایداری و انتخاب تبدیل شود.

چرا «نورالدین پسر ایران»؟

سال ۱۳۷۳، موسی غیور حدود چهل ساعت با نورالدین مصاحبه و آن را به زبان ترکی ضبط کرد. این گفت‌وگوها سال‌ها در همان مرحله ماند. در دهه ۸۰، معصومه سپهری تصمیم گرفت این خاطرات را به کتاب تبدیل کند. او علاوه بر پیاده‌سازی نوارها، ساعت‌ها پای صحبت نورالدین نشست و جزئیات بیشتری پرسید. نتیجه، کتابی شد نزدیک به هفتصد صفحه که در سال ۱۳۹۰ انتشارات سوره مهر آن را منتشر شد و به سرعت در صدر کتاب‌های پرفروش دفاع مقدس قرار گرفت. شاید بررسی این همه کتاب درباره جنگ نوشته

شده، چرا باید سراغ «نورالدین پسر ایران» رفت؟

پاسخ ساده است: چون این کتاب تصویر یک قهرمان دست‌نیافتنی را نمی‌سازد، بلکه قصه نوجوانی است که خیلی شبیه خودمان بوده. او شادی، ترس، بازی و دل‌تنگی داشته؛ اما شرایط روزگار، وادارش کرده تا زودتر تصمیم‌های بزرگ بگیرد. در این کتاب جنگ تنها صحنه گلوله و انفجار نیست، لحظه‌های دوستی، شوخی، دل‌تنگی و امید هم به همان اندازه در آن پررنگ‌اند.

اگر به دنبال ماجرای واقعی، پرهیجان و صادقانه هستی، کتاب درستی را انتخاب کردی؛ صحنه‌به‌صحنه با آن پیش خواهی رفت و همراه نورالدین می‌شوی.

«نورالدین پسر ایران» در کنار کتاب‌هایی مانند «دا» (خاطرات سیده زهرا حسینی) و «من زنده‌ام» (خاطرات معصومه آباد) قرار می‌گیرد. همه این آثار، روایت‌هایی از جوانی و نوجوانی در دل جنگ‌اند؛ اما «دا» بیشتر فضای شهر خرمشهر و مقاومت زنان را روایت می‌کند، «من زنده‌ام» از اسارت می‌گوید و «نورالدین پسر ایران» مستقیم به خط مقدم می‌رود، به دل عملیات‌ها و تجربه یک نوجوان رزمنده از جنگ تحمیلی. از طرفی، این کتاب به آثاری مانند «سلام بر ابراهیم» یا «آب هرگز نمی‌میرد» هم نزدیک است؛ اما تفاوتش در حجم و جزئیات است. «نورالدین پسر ایران» بیشتر شبیه یک

رمان بلند است که لایه‌لایه زندگی را باز می‌کند.

این کتاب پلی است میان دیروز و امروز؛ دیروزِ نورالدین با خاک و ترکش و خون آمیخته بود، امروزِ ما با مدرسه و علم و رؤیاهای آینده. خواندن این کتاب کمک می‌کند هم قدر امروزمان را بیشتر بدانیم و هم بفهمیم که نسل پیش از ما، چگونه ایستاد تا ما امروز آسوده‌تر زندگی کنیم.